

# بررسی زندگی امام حسین علیه السلام از ولادت تا شهادت

نویسنده: نسرين اميرپور

## مقدمه

ای گشته فلک منور از رأی حسین      افتاده ملک چو سایه در پای حسین

شد رنگ قمر عارض زیبای حسین      طوبی خجل از قامت رعناى حسین

ای گشته عیان بنزد اقبال حسین      دانسته ز قول نبوی حال حسین

خواهی که خداوند تو را دارد دوست      ر دل جا ده محبت آل حسین

ملل پیشرفته جهان ملتی هستند که برای آینده‌شان از گذشته سرمشق گیرند و مسیر بزرگان آباء و اجداد و اقوام خود را انتخاب کنند تا به مطلوب خود برسند. ملت رستگار آن است که اخبار تاریخی - ملی خود را حفظ و در آن سیر کند تا به سرحد کمال نائل گردد. جالب‌ترین صفحات اوراق گذشته تاریخ شرح حال رجال و پیشوایان جامعه بشری است که برای سعادت خانواده یا ملت خود قیام کرده و گام‌های بلند برداشته و باخطرات خانمان برافکن مبارزه کرده‌اند و در نتیجه نسل آینده و اخلاف آن‌ها از این مجاهدت برای پیشرفت و ارتقاء فردی و جمعی استفاده نموده‌اند. بهره‌گیری از سیره بزرگان سنت بشری است که هر قوم و ملتی آداب و عادات حرکات و سکنات کردار و گفتار بزرگان خود را به عمل گذاشته و به صورت شئون ملی و رسوم اجتماعی درآورده‌است پس مجموعه اندیشه و گفتار و کردار بزرگان یک قوم آداب ملیت و شئون قومیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد.

هرکه ناموخت از گذشت روزگار      هیچ ناموزد زهیچ آموزگار

## میلاذ سیدالشهداء

اشعه آفتاب وجود مبارک «با سوابقی که جبرئیل به پیغمبر خدا از مولود او خبر داده بود» روز پنج شنبه سوم شعبان سال چهارم هجرت در مدینه از مشرق دامان فاطمه زهرا علیها السلام در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام پرتو افکن گردید. او دومین ثمره پیوند فرخنده علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام بود. حسین بن علی علیه السلام در دوران خود به شجاعت و آزادگی و ایستادگی در برابر ستم شهرت داشت میلاذش مانند زندگانی و شهادتش شگفت‌انگیز است حضرت در مدت زندگی خود در کنار جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله

با آن حضرت مانوس بوده و حتی وقت نماز از آن حضرت جدا نمی‌شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله سخت به او و برادرش اظهار علاقه کرده و با جملاتی که درباره آنها فرمودند، گوشه‌ای از فضایل آنها را برای اصحاب بازگو کردند. اکنون در آثار حدیثی شمار زیادی فضیلت برای امام حسین علیه السلام نقل شده که بسیاری از آنها نظیر حدیث «الحسن و الحسین سیدا شباب أهل الجنة متواتر بوده و یا فراوان نقل شده است بعد از تولد حسین علیه السلام بی‌درنگ او را که شش ماهه به دنیا آمده بود، به حضور پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله بردند. به اتفاق تمام مورخان رسول خدا کام کودک را با آب دهان خود برداشت و زبان در دهان او گذاشت و او را از شیر جان خود سیراب کرد و فرمود: «حسین منی و انا من حسین و آن طور که میل داشت حسین را پرورش داد و تربیت کرد تا بزرگ شد. ابن اثیر می‌نویسد: در زمان تولد امام حسین علیه السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت و اسراری را به گوش او خواند و اماناتی به او

تحويل داد. حسين هم اسرار و امانت جدش را بهتر از هر كس حفظ كرد و به عمل گذاشت در مسير تاريخ سه نفر شش ماهه به دنيا آمدند. آنچه از تاريخ به دست مي آيد، سه نفر شش ماهه به دنيا آمده اند: يحيى بن زكريا، عيسى بن مريم و حسين بن علي عليه السلام عالمان طبيعي اروپا از روي موازين علمي تكامل ثابت کرده اند كه جنين آدمي شش ماهه كامل نمي شود و زيست نمي كند. هر مولود شش ماهه ناقص الخلقه مي شود؛ زيرا مقدار تكامل سلول هاي او به حد زيست نرسيده و مي گویند هر مولودي بايد کمتر از 2500 گرم وزن نداشته باشد و حد كمال جنيني او در نه ماهگي است و حال آن كه حسين شش ماهه به دنيا آمد و اين قول مورد انفاق فريقين است و از نظر صورت و سيرت هم زيباترين و كامل ترين افراد بشر بود. نه تنها نقصي در او ديده نشد بلكه به كمال جسماني و رشد كامل روحاني خود رسيد. قيام عاقلانه و حكيمانه او مثل اعلاي كياست و سياست و نشانه جرئت بود. نبايد حساب زندگاني ابي عبدالله را با ساير مردم عادي مقايسه نمود. حسين مرد آسماني بود و از آب و خاك ديگر عجيب شده و نشو و نما يافته و سير فكري او باعث نجات بشر از نابردی است ابن شهر آشوب مي نويسد: پس از تولد حسين فاطمه مريض شد و رسول خدا صلى الله عليه وآله دايه خواست حسين از پستان احدی شیر نخورد مگر آن كه چهل شبانه روز از انگشت و زبان پيغمبر صلى الله عليه وآله تغذيه كرد تا بزرگ شد.

## دوران کودکی سیدالشهداء

امام حسین علیه السلام تا هفت سالگی زیر نظر مقام نبوت و رسالت سایه وار حرکت می کرد و در کنار مهد عصمت و طهارت بود. تا سی و هفت سالگی در حجر ولایت مطلقه الهیه پدرش و تا چهل و هشت سالگی در کنار مهر و عاطفه امامت برادرش حضرت مجتبی عمر گذرانیده و یازده سال هم دوره امامت و ولایت مطلقه خود او بود. بنابراین دوران کودکی و جوانی کمال و امامت او در مهبط نزول وحی و مهد عصمت و دامان ولایت و ساحل امامت و مکتب ولایت ادامه داشته تا عاشورا که سن او پنجاه و هفت سال سال وهفت ماه بود. در تربیت حسین اسرار شرافت پاکیزگی فضیلت سعادت سیادت شهامت شجاعت استقامت و پافشاری در راه دین عزت و حمیت حفظ ناموس و حقوق دیگران دستگیری از بینوایان احقاق حق مستمندان تسلیم نشدن و زیر بار زور نرفتن طرفداری از حق و حقیقت نهفته است سجایایی که حسین از جد و پدر و مادرش به ارث برد برای احدی امکان پذیر نبود. در پرورشگاه محمدی شخصیت حسین عامل مؤثری در احیاء شریعت اسلام بود و مثل اعلائی درس فضیلت و اخلاق گردید. دوستی حسین برای پیغمبر نه تنها از راه عاطفه فرزند بود، بلکه برای سفارشات بود که از زبان وحی گرفته و حسین را سبب جاودانگی و استمرار رسالت و نبوت خود شناخت حسین احیاگر مجد و عظمت اسلام و سبب ابقاء حیات اجتماعی مسلمین برای همیشه گردیده و نقش او فراموش شدنی نیست

## حسین و نسب

امام حسین از حیث نسب ممتازترین انسان است زیرا جدش رسول خدا  
ﷺ مادرش فاطمه زهرا، پدرش علی مرتضی برادرش حسن مجتبی خواهرش  
زینب کبری و همسرش دختر یزدگرد پادشاه ساسانی است و این نسب برای  
احدی نیست

## حسین و صورت و سیرت

خواند میر از شواهد النبوه نقل می‌کند که امام حسین علیه السلام صورتی زیبا و جمالی منور داشت که چون در خانه تاریک می‌نشست از سفیدی رخسار مبارکش محیط اطراف روشن می‌شد و همه می‌دانستند امام حسین علیه السلام است حسین بن علی شخصاً داری مزایایی بود که دیگران فاقد آن بودند و سرتاسر زندگیش عجیب بود؛ یکی آن که شش ماهه به دنیا آمد و دیگر آن که شهادتش بی‌نظیر بود. در قیام خونین او بسیاری از کلمات عملاً ترجمه شد که اگر حسین علیه السلام نبود این کلمات معنا نمی‌شد: عشق و اراده و صبر و فداکاری از جمله آن موارد است سالار شهیدان در حسن خلق تواضع ادب بخشش صله رحم راستی درستی عبادت فراست و ذکاوت شجاعت و شهامت آزادی و سعادت فداکاری و گذشت امیدواری و آرزو، شرافت و عشق مرام و مسلک صبر و بردباری سیاست ملی و مظلومیت اجتماعی دارای نبوغ فکری بود. این کلمات را چنان معنا کرد که تاکنون کسی چنین معنا نکرده است امام حسین علیه السلام سرباز با شخصیت و فداکار اسلام است که درس آزادی و فداکاری و مجد و عظمت را به مسلمین آموخت و در صورت و سیرت بی‌نظیر و ممتاز بود.

## حسین بر دوش پیغمبر

شیبانی از عبدا.. بن شداد روایت می‌کند که پدرش گفته در یکی از اوقات نمازهای جماعت خدمت پیغمبر بودم ایشان حسن و حسین را بر دوش خود سوار کرده بود و چون نزدیک شد، آنها را بر زمین گذاشت آن گاه برای نماز جماعت تکبیر گفت هنگام سجود خیلی طول کشید. من سر خود را بلند کردم دیدم حسین بر پشت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سوار شده من دوباره به سجده رفتم چون نماز تمام شد، بعضی گفتند: یا رسول الله میان دو سجده آنقدر طول دادی که ما گمان کردیم امری حادث شده و یا وحی بر تو نازل شده فرمود: هیچ کدام از آنها نبود، فقط پسر حسین سوارم شده بود و من نخواستم او را پایین آورم صبر کردم تا خود فرود آید. ابوسعید خدری روایت کرده که حسین را دیدم دوان دوان نزد پیغمبر آمد. رسول خدا نماز می‌خواند و حسین به گردنش آویخت و پیغمبر با دست او را گرفت و تا به رکوع رفت او را نگاه داشت بخاری از ابوهیره نقل می‌کند که حسین و حسن نزد پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در دامان مهر و عطوفت او بودند که هوا تاریک شد. پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود بروید به حجره مادران گفتند تاریک است ما می‌ترسیم ناگاه نوری ظاهر شد یا برقی زد و فضا را روشن کرد. حسنین به خانه مادر رفتند. ابو عمر بن عبدالله قرطبی نقل می‌کند که با چشم خود دیدم پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حسین را صدا می‌کرد و او از دامان رسول الله بالا می‌رفت آن گاه دهان حسین را می‌بوسید و می‌گفت خدایا من حسین را دوست دارم تو نیز او را دوست دار.



## حسین و فدایی شدن ابراهیم

در ترجمه المستقصی نقل کرده‌اند که پیغمبر ﷺ امام حسین را بر زانوی راست و ابراهیم را بر زانوی چپ خود نشانیده بود که جبرئیل نازل شد و گفت خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید این دو فرزند را برای تو جمع نخواهد کرد و یکی را از تو باز خواهد گرفت اینک بیندیش و هر کدام را خواهی اختیار کن پیغمبر ﷺ بر چهره حسین و ابراهیم نگریست و فرمود: اگر حسین وفات کند از مفارقت او دل من و علی و فاطمه هر سه خواهد سوخت ولی اگر ابراهیم وفات یافت اکثر درد و حزن نصیب من خواهد شد و انتقال ابراهیم را قبول نمود و او را فدای حسین کرد و پس از سه روز ابراهیم مریض شد و وفات یافت

## حسین و لباس‌های مختلف

لباس معرف فرد و اجتماع است و با لباس می‌توان افراد و قبایل و ملل را از هم تشخیص داد. سادگی و بی‌آلایشی لباس نمونه سادگی و بی‌آلایشی روح است در روایتی مجلسی نقل می‌کند که در روز عید حسنین لباس رنگارنگ تن کودکان مردم دیدند و از جدشان لباس خواستند، جبرئیل لباس حریر سفید آورد و آن گاه آنان لباس رنگین خواستند. طشتی آوردند جبرئیل آب ریخت و لباس حسن سبز و لباس حسین سرخ شد در این موقع حسین پنج ساله بود. حسین علیه السلام دارای لباس‌های بهشتی بود؛ یعنی لباس مخصوص پیغمبر از تافته‌های نرم بود که فاطمه علیها السلام تهیه کرده بود و بر او می‌پوشانید و می‌فرمود لباس بهشتی است حسین در بزرگی لباسش همانند لباس پیغمبر و پدرش علی بوده عمامه تیره‌رنگ پیراهن سفید، نعلین یمانی انگشتر عقیق در دست داشت و ابن زیاد برای وارد شدن به کوفه همین حيله را کرد که لباسی مانند لباس حسین پوشید و نقاب بر او انداخت تا کسی او را نشناسد و آن گاه وارد دارالاماره شد.

## چند روایت در مورد حسنین

«سئل رسول الله ﷺ ایما اهل بیتک احب الیک قال ﷺ الحسن و الحسین از پیغمبر ﷺ پرسیدند کدام یک از اهل بیت خود را بیشتر دوست داری فرمود: حسن و حسین را. شیخ طوسی از حدیث نقل می‌کند که پیغمبر ﷺ فرمود: فرشته‌ای بر من نازل شد که تا آن وقت به زمین نیامده بود. سلام کرد «و ابشرنی ان ابنتی فاطمه سیده نساء اهل الجنة و ان الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة. شیخ طبرسی نقل می‌کند که پیغمبر ﷺ فرمود: روز قیامت عرش خدا را به نور حق زینت می‌کنند. حسن طرف راست و حسین طرف چپ عرش قرار خواهند گرفت و در روایتی دیگر درباره علی فاطمه و حسن و حسین فرمود: هر کس با آنان جنگ آورد، من با او به جنگ می‌خیزم و هر آن که تسلیم آنها شود، من با او سر آشتی دارم رسول خدا ﷺ دست حسنین را گرفت و فرمود: هر که من و این دو پسر و پدر آنها را دوست دارد، روز قیامت در صف من قرار خواهد گرفت عایشه روایت کرده یک روز صبح حسن و حسین و فاطمه و علی **علیها السلام** در زیر عبای پیغمبر ﷺ جمع شدند. آن گاه رسول خدا ﷺ فرمود: **(انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً)**. علاقه رسول خدا به این دو فرزند، بر همه اصحاب آشکار بوده و همانطور که درباره امام حسین **علیه السلام** گذشت پیامبر ﷺ می‌کوشید تا مردم را از علاقه خود به این دو امام آگاه کرده و حتی می‌فرمود: خدایا دوست بدار کسی که آنها را دوست بدارد: «من احبنی فلیحب هذین ، و فرمود: «من أحب الحسن والحسین فقد أحبنی و من أبغضهما فقد أبغضنی آن حضرت درباره این دو برادر فرمود: هما ریحانی من

الدنیا»، درباره امام حسین علیه السلام فضایل اختصاصی نیز آمده است که یکی از مشهورترین آنها، روایت «حسین منی و أنا من حسین است یحیی ابن سالم موصلی که از غلامان امام حسین علیه السلام بود، می گوید: با امام در حرکت بودیم به خانه رسیدند و آب طلبیدند. کنیزی با قدحی پر از آب بیرون آمد. امام پیش از خوردن آب «فضه‌ای را درآورده به او دادند و فرمودند: این را به اهلت بسیار، آن گاه به نوشیدن آب پرداختند. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که امام حسین علیه السلام در سفر حج پیاده حرکت می کرد، در حالی که چهار پایان او پشت سر او حرکت می کردند. نقل یک روایت هم در اخلاق امام حسین علیه السلام مناسب می نماید. ابن ابی الدنیا نقل کرده است که امام حسین علیه السلام بر گروهی از فقیران عبور می کرد که سفره شان پهن بود و غذایی فقیرانه داشتند. وقتی امام را دیدند، حضرت را دعوت کردند. آن حضرت پیاده شد و فرمود: **(ان الله لا یحب المستکبرین** آن گاه نشست و با آنها غذا خورد. پس از آن فرمود: شما دعوت کردید، من پذیرفتم اکنون من شما را دعوت می کنم باید بپذیرید. پس از آن به رباب گفت تا هر چه آماده کرده بیاورد تا با هم بخورند. اشتغال حسن و حسین علیه السلام در حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله به بازی های کشتی خط نویسی و «لعب المداحی چاله بازی با ریگ و گودال و خاک و مسابقه اسب سواری و تیر اندازی و سبقت در نماز و وضو و غیره بوده است سلمان فارسی روایت می کند که دیدم حسین در دامان پیغمبر صلی الله علیه و آله بود و می فرمود: تو سید فرزند سیدی و پدر ساداتی تو امام فرزند امام و پدر ائمه هستی تو حجت فرزند حجت و پدر حجج خدایی نه تن از نسل تو حجت خدا هستند و نهمین آنها قائم ایشان است

## خصال و مکارم اخلاق سیدالشهداء از زبان رسالت

شیخ صدوق در امالی از حدیفه الیمان روایت می‌کند که دیدم رسول خدا دست حسین را گرفته و فرمود: یا ایها الناس هذا الحسین بن علی فاعرفوه فالذی نفسی بیده انه لفی الجنة و محبیه فی الجنة و محبی محبیه فی الجنة. ای گروه مردم این است حسین پسر علی بن ابیطالب او را بشناسید. قسم به خدایی که جان من بدست اوست حسین در بهشت است دوستان حسین در بهشت اند و دوستانِ دوستان او نیز در بهشت خواهند بود.

## نماز گزاردن حسین بر پدر و برادر و خواهرش

طبری در تاریخ کبیر می‌نویسد: چون امیرالمؤمنین علیه السلام از جهان درگذشت حسن و حسین و عبدالله بن جعفر عامل غسل و کفن و دفن او شدند و او را در پارچه‌ای کفن کرده دفن نمودند و بر او نماز خواندند و حسن علیه السلام نه تکبیر بر جنازه پدر گفت

## حسین و حج خانه خدا

مورد اتفاق مورخان است که حضرت حسین علیه السلام بیست و پنج سفر پیاده از مدینه به مکه برای حج رفته است یعنی در مدت عمر، که بیشتر سنوات آخر زندگی آن حضرت بوده بیست و پنج بار به خانه خدا رفته است

## حسین و کمک به مستمندان و صفات ممتاز ایشان

باری حسین بن علی علیه السلام ظروف چوبی و قدح از پوست کدو داشته‌اند که در آن غذا می‌خوردند. آن حضرت دارای این صفات ممتاز بوده مهمان را گرمی می‌داشت سائل را محروم نمی‌کرد و آنقدر می‌داد که بی‌نیاز می‌شد. صله ارحام می‌نموده و به تمام ارحام مقرری می‌داد تا بی‌نیاز گردند. با فقرا مجالست و معاشرت داشت و به درد دل آنها می‌رسید. پیاده‌ها را سوار می‌کرد. ارباب حوائج را به حاجت خود می‌رسانید. برهنه‌ها را می‌پوشانید. گرسنه‌ها را سیر می‌کرد. قرض مقروضین را ادا می‌نمود. پشتیبان ضعفا بود. دوست و شفیق ایتام بود. محتاجان را ضمانت و اعانت می‌کرد. هر مالی که برای او می‌رسید یک جا به سائل می‌داد تا دیگر گدایی نکند. امام حسین علیه السلام به سائلی که از راه دور سراغ خانه کریم آمده بود، از پشت در چهار هزار درهم یا دینار داد و از این که اندک است عذر خواست با این اخلاق و بخشش حسین علیه السلام تمام فامیل و اقارب و عشیره و همسایگان و اهل مدینه و قبایل بدوی و ارباب حوائج دور دست را فریفته ملکات اخلاقی خود نمود. در زیر آسمان مردی شجاع‌تر از حسین نبود، زیرا شرایط ابراز شجاعت در مواقع ابراز شجاعت پیغمبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام چنان نبود که در جنگ حسین علیه السلام موجود بود.



## حسین و شرافت

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ فطرتاً شریف بوده زیرا برای نجات ملت اسلام از هلاکت اضمحلال و مرگ همیشگی قیام کرد و با بیان حق و حقیقت معانی شرف و شرافت را در خلال مسافرت خود برای مردم ترجمه کرد و اگر حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ با کردار و گفتار خود شرف را معنا نکرده بود، بسیاری دیگر از الفاظ واقعاً و در حقیقت بدون معنا در ابهام می ماندند! حسین بود که شرافت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل محمد را روشن کرد و با فداکاری و سعی و عمل خاندانش را در نجات بشر و هدایت و ارشاد جامعه با منطق عملی میرهن و ثابت نمود و خطر بزرگی که داشت مسلمین و اسلام را تهدید به مرگ می کرد، به شرافت نفس خود برطرف فرمود. اقتدار و عظمت و شرافت را برای پیروان اسلام ثابت کرد و درخشان ترین مظاهر صفات فاضله را که به شرافت ترجمه می شود، بر مردم بیان فرمود و ملیت اسلام را جاویدان فرمود. بزرگی به مردم و آزادگی است نه از مال و جاه و ملک زادگی است زخوی نکو مرد یابد شرف نه از پرتو و دودمان سلف که هر نیک و بد زاده آدمند زخوی نکو با شرف مردمند

## حسین و صبر و شکیبایی

صبر و حوصله حسین به قدری بود که جبرئیل درباره صبر و عطش او گفت :  
آسمان از صبرش انگشت حیرت به دندان می‌گزد او آنقدر صبر می‌کند که پوست  
بدن اطفالش از تشنگی به هم جمع می‌شود و لب هایش از رطوبت خالی و  
خشک می‌گردد و باز هم به دشمن نفرین نمی‌کند، بلکه آنان را به دعا هدایت  
می‌فرماید و می‌گوید: خداوندا این قوم را هدایت فرما. «صغیرهم یمینه العطش و  
کبیرهم جلدہ منکمش .مورخان نوشته‌اند: به قدری صبر حسین در مصیبت با  
اهمیت و با عظمت بود که در روی کره زمین مصیبتی چون مصیبت او رخ نداده  
و بزرگ‌ترین آثار مصیبت او صبر حسین است

## حسین و علم و دانش

امام حسین علیه السلام در دانش وارث مقام نبوت و مکان امانت و ولایت و عصمت و طهارت بوده علوم و دانش را از لسان وحی فرا گرفته و آنچه هم اخذ کرده به مرتبه علم الیقین او رسیده و لذا هرچه علما و فضلاء مکتب اسلام مانند: ابن عباس و محمد حنفیه و.. خواستند حسین را از رأی خود منحرف کنند، چون علم الیقین در کار خود داشت مانند کوه پا برجا و استوار بر اجراء نقشه خود بود. اندیشه امام حسین مانند ساعت منظم کار می کرد و هیچ حادثه‌ای او را متزلزل نمی ساخت حسین علیه السلام از نظر روحی و جسمی شبیه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد. بزرگ آینه‌ای بود در برابر حق که هر چه بود سراپا در اوست

عکس پذیر

## مراحل زندگی حسین بن علی

حسین بن علی علیه السلام مدت شش سال از دوران کودکی خود را در زمان جد بزرگوار خود سپری کرد و پس از رحلت آن حضرت مدت سی سال در کنار پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام زندگی کرد و در حوادث مهم دوران خلافت ایشان به صورت فعال شرکت داشت امام حسین علیه السلام در جنگ‌های جمل صفین و نهروان حضور داشت و در کنار پدر به جنگ با پیمان شکنان و ظالمان پرداخت از آن حضرت خطبه‌ای از جنگ صفین نقل شده است که ضمن آن مردم را به جنگ ترغیب می‌کردند. امام حسین علیه السلام در مراحل مقدماتی صفین در گرفتن مسیر آب از دست شامیان نقش داشت امام علی علیه السلام پس از آن پیروزی فرمود: «هذا اول فتح ببركة الحسين علیه السلام زمانی عبیدالله بن عمر در صفین امام را صدا کرد و گفت که پدر تو قریش را چنین و چنان کرده است امام او را متهم به پیروی از قاسطین کرده و فرمودند که اینان به زور اسلام را قبول کرده‌اند، اما در اصل مسلمان نشده‌اند. پس از شهادت امیرمؤمنان علیه السلام (در سال چهارم هجری مدت ده سال در صحنه سیاسی و اجتماعی در کنار برادر بزرگ خود حسن بن علی علیه السلام قرار داشت و پس از شهادت امام حسن علیه السلام (در سال پنجاه هجری به مدت ده سال در اوج قدرت معاویه بن ابی سفیان بارها با وی پنجه در افکند و پس از مرگ وی نیز در برابر حکومت پسرش یزید قیام کرد و در محرم سال 61 هجری در کربلا به شهادت رسید. امام حسین علیه السلام در دوره امامت برادرش از سیاست وی دفاع می‌کرد. آن حضرت در برابر درخواست‌های مکرر مردم عراق برای آمدن آن حضرت به کوفه حتی پس از شهادت برادرش حاضر به قبول رأی

آنها نشده و فرمودند: تاوقتی معاویه زنده است نباید دست به اقدامی زد. معنای این سخن آن بود که امام در فاصله ده سال به اجبار حکومت معاویه را تحمل کردند. این نکته مهمی در مواضع سیاسی امام حسین علیه السلام است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است دلیلش نیز آن است که ما، امام حسین علیه السلام را بیشتر از زاویه اقدام انقلابی اش در کربلا می شناسیم مناسبات امام و معاویه و گفتگوهایی که در مواقع مختلف صورت گرفته نشان از تسلیم ناپذیری امام از لحاظ سیاسی در برابر پذیرش مشروعیت قطعی معاویه است یکی از مهمترین دلایل نامه مفصل امام به معاویه است که ضمن آن به حقایق زیادی درباره جنایات معاویه در حق شیعیان امام علی علیه السلام اشاره شده است امام در این نامه به معاویه نوشتند: من قصد جنگ و مخالفت با تو ندارم و... در جای دیگری نیز بلاذری خلاصه نامه را ذکر کرده که یک جمله اضافه دارد. در آنجا آورده که امام به معاویه نوشتند: «و ما أعلم فتنه أعظم من ولايتك هذه الامة . یعنی من فتنه ای سهمگین تر از حکومت تو بر این امت سراغ ندارم بعدها، وقتی معاویه رو در رو با حسین بن علی علیه السلام قرار گرفت به او گفت آیا شنیدی ما بر سر حجر و اصحاب و شیعیان پدرت چه آوردیم امام فرمود چه کردید؟ معاویه گفت آنها را کشتیم کفن کردیم نماز بر آنان خواندیم و دفن کردیم امام فرمود: اما اگر ما یاران تو را بکشیم نه آنها را کفن می کنیم و نه بر آنها نماز می خوانیم و نه دفن می کنیم آخرین بخش زندگانی امام حسین یعنی دوران امامت آن حضرت مهمترین بخش زندگی او به شمار می رود.

## مبارزات حسین بن علی در دوران قبل از امامت

حسین بن علی علیه السلام از دوران نوجوانی که شاهد انحراف دستگاه حکومت اسلامی از مسیر اصلی خود بود، از موضعگیری‌های سیاسی پدر خود پیروی و حمایت می‌کرد؛ چنان که در زمان خلافت عمر بن خطاب روزی وارد مسجد شد و دید عمر بر فراز منبر نشسته است با دیدن این صحنه بالای منبر رفت و به عمر گفت از منبر پدرم پایین بیا و بالای منبر پدرت برو! عمر که قافیه را باخته بود، گفت پدرم منبر نداشت آن گاه او را در کنار خود نشانید و پس از آن که از منبر پایین آمد، او را به منزل خود برد و پرسید: این سخن را چه کسی به تو یاد داده است او پاسخ داد: هیچ کس

## در جبهه‌های نبرد با ناکثین و قاسطین

حسین بن علی علیه السلام در دوران خلافت پدرش امیر مؤمنان علیه السلام در صحنه‌های سیاسی و نظامی در کنار آن حضرت قرار داشت او در هر سه جنگی که در این دوران برای پدر ارجمندش پیش آمد، شرکت فعال داشت در جنگ جمل فرماندهی جناح چپ سپاه امیر مؤمنان علیه السلام به عهده وی بود و در جنگ صفین چه از راه سخنرانی‌های پرشور و تشویق یاران علی علیه السلام برای شرکت در جنگ و چه از رهگذر پیکار با قاسطین نقشی فعال داشت در جریان حکمیت نیز یکی از شهود این ماجرا، از طرف علی علیه السلام بود. حسین بن علی علیه السلام پس از شهادت علی علیه السلام در کنار برادر خویش رهبر و پیشوای وقت حسن بن علی علیه السلام قرار گرفت و هنگام حرکت نیروهای امام مجتبی علیه السلام به سمت شام همراه آن حضرت در صحنه‌های نظامی و پیشروی به سوی سپاه شام حضور داشت و هنگامی که معاویه به امام حسن علیه السلام پیشنهاد صلح کرد، امام حسن او و عبدالله بن جعفر را فرا خواند و درباره این پیشنهاد، با آن دو به گفتگو پرداخت و بالاخره پس از متارکه جنگ و انعقاد پیمان صلح همراه برادرش به شهر مدینه بازگشت و همانجا اقامت گزید.

## اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران امامت حسین

در زمان امام حسین علیه السلام انحراف از اصول و موازین اسلامی که از «سقیفه شروع شده و در زمان عثمان گسترش یافته بود، به اوج خود رسیده بود، در آن زمان معاویه که سالها از سوی خلیفه دوم و سوم بعنوان استاندار در منطقه شام حکومت کرده و موقعیت خود را کاملاً تثبیت کرده بود، به نام خلیفه مسلمین سرنوشت و مقدرات کشور اسلامی را در دست گرفته حزب ضد اسلامی اموی را بر امت اسلام مسلط ساخته بود و به کمک عمال ستمگر و یغماگر خود مانند: زیاد بن ابیه عمرو بن عاص و... حکومت سلطنتی استبدادی تشکیل داده و چهره اسلام را وارونه ساخته بود. معاویه از یک سو، سیاست فشار سیاسی و اقتصادی را در مورد مسلمانان آزاده و راستین اعمال می‌کرد و با کشتار، قتل شکنجه و آزار و تحمیل فقر و گرسنگی بر آنان از هرگونه اعتراض و جنبش و مخالفت جلوگیری می‌کرد و از سوی دیگر، با احیای تبعیض‌های نژادی و رقابت‌های قبیله‌ای در میان قبائل آنان را به جان هم می‌انداخت و از این رهگذر نیروی آنان را تضعیف می‌کرد تا خطری از ناحیه آنان متوجه حکومت وی نگردد، و از سوی سوم به کمک عوامل مزدور خود با جعل حدیث و تفسیر و تأویل آیات قرآن به نفع خود، افکار عمومی را تخدیر کرده و به حکومت خودش وجهه مشروع و مقبول می‌بخشید. این سیاست ضد اسلامی به اضافه عوامل دیگری همچون ترویج فرقه‌های باطل نظیر: جبریه و مرجئه که از نظر عقیدتی با سیاست معاویه همسو بودند، آثار شوم و مرگباری در جامعه بوجود آورده و سکوت تلخ و ذلت باری را بر جامعه حکمفرما ساخته بود.



## حسین و وفاداری در پیمان معاویه

حسین علیه السلام مثل اعلای فضیلت و کمال و ارشاد و هدایت بود. او در همه حال مصالح عمومی را بر منافع شخصی ترجیح می‌داد و دل نگران جامعه بود و در فکر استفاده شخصی نبود، بلکه همواره برای ملت اسلام و برای واژگون کردن نظام امویان تلاش کرد. حسین با معاویه در صلح امام حسن پیمان بست که قیام نکند و با آنکه معاویه به شرایط صلح عمل نکرد، حسین بن علی علیه السلام راضی نشد شخصیت خود را با نقض عهد و پیمان شکنی مانند معاویه خدشه‌دار نماید، لذا در پیمان با معاویه پایدار بود. هیچ کس نوشته حسین در تمام عمرش یک دفعه پیمان شکنی کرده باشد. شیخ مفید می‌نویسد: وقتی امام حسن علیه السلام درگذشت مردم کوفه و شیعیان علی علیه السلام از اطراف نامه نوشتند که حاضرند معاویه را خلع کرده و با او بیعت کنند ولی حسین بن علی علیه السلام قبول نکرد و فرمودند: «میان من و معاویه عهدیست که وجدان من اجازه نمی‌دهد، نقض عهد کنم بنابراین تا معاویه زنده است من بر عهد خود پایدارم و چون او در گذرد من درباره تصمیم خود تجدید نظر خواهم نمود.»

## مخالفت حسین با معاویه در بیعت یزید

ابن کثیر شامی می‌نویسد: معاویه در سال پنجاه و سه هجری از مردم برای یزید بیعت گرفت حسین علیه السلام از کسانی بود که با او مخالفت کرد و حاضر به بیعت نشد و اهل کوفه در این امر برای حسین علیه السلام نامه نوشته کسب تکلیف نمودند و اصرار داشتند که حسین به کوفه رود تا با او بیعت کنند و به معاویه بفهمانند که حاضر به قبول خلافت یزید نخواهند بود و جمعی بسیار هم برای این کار به مدینه آمدند که شاید حسین را به بیعت راضی کنند که اقلاً پس از معاویه قبول زمامداری کند. چنانکه پدرش پس از عثمان تقاضای مردم را قبول کرد. ولی ابی عبدالله به آنان جواب منفی داد؛ زیرا نمی‌خواست نقض عهد کند و تا معاویه زنده است اختلاف و اغتشاش بر پا سازد. محمد حنفیه و ابو سعید خدری و مسیب بن نجیبه فرازی نیز اصرار داشتند ولی امام حسین علیه السلام آنها را قانع به صبر و بردباری کرد و فرمود در انتظار آینده باشید. امام حسین علیه السلام در تحولات اجتماعی و دعوت‌های متوالی در این ده سال بسیار سیاست روشنی را تعقیب کرد و با مردم با کمال تدبیر عمل نموده و همه را به آینده‌ای پرغوغا توجه داد. دربار یزید مرکز انواع فساد و گناه شده بود و بی‌دینی دربار او در جامعه چنان گسترش یافته بود که در دوران حکومت کوتاهش حتی محیط مقدسی همچون «مکه و مدینه نیز آلوده شده بود. یزید سرانجام جان خود را در راه هوسرانی از دست داد و افراط در شرابخواری سبب مسمومیت و مرگ وی گردید. او بیش از چهار سال پس از فاجعه عاشورا زنده نماند، اما این ننگ و رسوایی را برای ابد برای خاندان بنی امیه به ارث گذاشت به طوری که هر یک

از خلفای اموی اندکی عقل و درایت داشتند از تکرار کارهای یزید پرهیز می‌کردند. شواهد و مدارک فساد و آلودگی یزید و زندگی ننگین و حکومت پلید وی به قدری زیاد است که طرح آنها از حدود این بحث فشرده خارج است

## پیام آوران قیام کربلا

هر قیام و نهضتی از دو بخش «خون و» پیام تشکیل می‌گردد. مقصود از بخش خون مبارزات خونین و قیام مسلحانه است که مسلتزم کشتن و کشته شدن و جانبازی در راه آرمان مقدس است مقصود از بخش پیام نیز، رساندن و ابلاغ پیام انقلاب و بیان آرمان‌ها و اهداف آن است در پیروزی یک انقلاب اهمیت بخش دوم کمتر از بخش اول نیست زیرا اگر اهداف و آرمان‌های یک انقلاب در سطح جامعه تبیین نشود، انقلاب از حمایت و پشتیبانی مردم برخوردار نمی‌گردد و کانون اصلی بدست فراموشی سپرده می‌شود، و چه بسا گرفتار تحریف‌ها و دگرگونی‌ها می‌شود. با بررسی قیام مقدس امام حسین علیه السلام این دو بخش کاملاً در آن به چشم می‌خورد؛ زیرا انقلاب امام حسین علیه السلام تا عصر عاشورا مظهر بخش اول یعنی بخش خون و شهادت و ایثار خون بود و رهبر و پرچمدار آن نیز خود حسین علیه السلام بود در حالی که بخش دوم آن از عصر عاشورا آغاز گردید و پرچمدار آن امام زین العابدین و زینب کبری علیهما السلام بودند که پیام انقلاب و شهادت سرخ آن حضرت و یارانش را با سخنان آتشین خود به اطلاع افکار عمومی رساندند و طبل رسوایی حکومت پلید اموی را به صدا درآوردند. با توجه به تبلیغات بسیار گسترده و دامنه داری که حکومت اموی از زمان معاویه به بعد بر ضد اهل بیت (به ویژه در منطقه شام در راه انداخته بود، بی‌شک اگر بازماندگان حسین علیه السلام به افشاگری و بیدارسازی نمی‌پرداختند، دشمنان اسلام و مزدوران قدرت‌های وقت قیام و نهضت بزرگ و جاویدان آن حضرت را در طول تاریخ لوٹ می‌کردند و چهره آن را وارونه نشان می‌دادند.

## آثار سیاسی رخداد کربلا در شیعه

واقعه کربلا از حوادث تعیین کننده در جریان تکوین شیعه در تاریخ است می دانیم که مبانی تشیع به ویژه اساسی ترین آنها در اصل آن یعنی امامت در قرآن و سنت یافت می شود. اما جدایی تاریخی شیعه از دیگر گروه های موجود در جامعه به تدریج صورت گرفته است سنت و اندیشه ای که از دوره خلافت امام علی علیه السلام به یادگار ماند، تا حدودی به شیعه از لحاظ فکری انسجام بخشید. حمایت امویان از اسلام ساخته خودشان که سیاست گزاری های معاویه اجازه نداده بود، ماهیت و فاصله آن با اسلام واقعی آشکار شود، در جریان به خلافت رسیدن یزید وضوح بیشتری یافت در حادثه کربلا جدایی تاریخ شیعه از سایر گروه هایی که تحت تأثیر اسلام مورد حمایت امویان بودند. قطعی شد. از آن پس تشخیص و تشخیص شیعه از دیگر گروه ها - گروهی که از سنت و سیره علی و جانشیان او پیروی می کردند - کاملاً ممکن بود. در میان شیعیان گروهی از هر حیث تابع ائمه بوده و آنها را وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و منتخب او می دانستند. از سوی دیگر گروه هایی از مردم عراق و بعضی مناطق دیگر تنها برتری علویان را بر امویان در نظر داشته و تشیع آنها در همین حد بود. افرادی که در کربلا در کنار امام حسین علیه السلام در شهادت رسیدند، از شیعیانی بودند که امامت را تنها حق علی علیه السلام و فرزندانش می دانستند. خود امام علیه السلام در موارد متعددی از مردم خواست تا حق را به اهلش بسپارند و او را یاری کنند، زیرا امویان غاصب این حق هستند.

## حکمت شهادت امام حسین

جنبش کربلا به عنوان یک نهضت مقدس مذهبی و یک حرکت سیاسی از نوع انقلابی آن پایدارترین جنبش در فرهنگ سیاسی شیعه است این جنبش نهضتی برای احیای احکام دین زدودن انحرافات دینی و سیاسی و جایگزین کردن حکومتی علوی به جای نظام اموی بوده است جنبش کربلا از زاویه دستیابی به اهداف خود حاوی نوعی شکست و نوعی پیروزی بود. شکست سیاسی با توجه به پذیرفتن این که هدف سرنگونی حکومت اموی و ایجاد دولتی علوی بوده است پیروزی معنوی به دلیل تحکیم آرمان‌های معنوی اصیل و دینی در جامعه اسلامی اگر کسی سرنگونی حکومت اموی را در شمار اهداف امام حسین علیه السلام نیاورد، شاید شکست سیاسی را هم نپذیرد. حقیقت آن است که جنبش کربلا را باید آخرین تلاش سیاسی ممکن برای بازگرداندن حکومت به آل علی علیهم السلام تلقی کرد. کوچکترین تردیدی وجود ندارد که امام علی علیه السلام حق خویش را پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله از دست رفته می‌دید، اما به دلایلی سکوت کرد. پس از عمر، انتظار آن را داشت تا حق به حقدار بازگردد. در این باره خود و شیعیانش نظیر مقداد و عمار تلاش کردند، اما این تلاش‌ها به جایی نرسید. پس از آن دردوره عثمان امام چنین احساس کرد که در شرایط جدید، رهبری جامعه چشم اندازموقتی ندارد، با این حال اصرار مردم او را امیدوار کرد. این امید در طی چهارسال و نه ماه اقدامات سخت امام برای رهبری صحیح بر باد رفت تلاش محدود و نومیدانه امام حسن علیه السلام هم به سرعت در هم شکسته شد. اکنون باید انتظار بیست ساله‌ای تا مرگ معاویه مطرح می‌شد. امام

حسین علیه السلام این مدت را صبر کرد، گرچه در این مدت اعتراضاتی بر معاویه در زمینه‌های سیاسی به ویژه قتل برخی شیعیان داشت در سالهای آخر حیات ننگین معاویه سخن از ولایت عهدی یزید به میان آمد، امام حسین علیه السلام مخالفت کرد، اما چندان امیدی نبود. با این حال امام در مقام امامت نمی‌توانست تحمل کند. با روی کار آمدن یزید، امام از روی اعتراض به مکه آمد. اینجا بود که روزنه امیدی از سمت شرق گشوده شد. عراق چند بار تجربه نامیمونی را پشت سر گذاشته بود، اما چه می‌شد کرد. اگر قرار بود اقدامی صورت گیرد، نه در شام و حجاز بلکه فقط در عراق ممکن بود. آیا ممکن بود که یک بار دیگر به کمک مسلمانان عراق که شیعیان در آن بودند، حکومت اموی را سرنگون کرد و دولت علوی را برپا نمود؟ ظاهر امر، یعنی حمایت‌های گسترده‌ای که خبر آنها به امام رسید، این امر را تا اندازه‌ای تأیید می‌کرد. امام فرصت را از دست نداد اما وقتی به کوفه نزدیک شد، اوضاع دگرگون شده بود. او در برابر سپاه ابن زیاد قرار گرفت سخن از تسلیم شدن و بیعت با یزید بود. امام نپذیرفت نتیجه آن شد که همراه یاران محدودش در کربلا به شهادت رسید. علامه مجلسی می‌نویسد: و باید دانست که مذلت‌های دنیا موجب مزید عزت ایشان است و دوست خدا به اینها ذلیل نمی‌گردد. آنها که خواستند ایشان را ذلیل گردانند، اکنون نام ایشان به غیر از لعن و نفرین در زمین مذکور نمی‌شود و نسل‌های ایشان منقرض شدند و نشانی از قبرهای ایشان نیست و حق تعالی نام آن بزرگواران را بلند گردانیده و علوم و کمالات ایشان عالم را فرا گرفته و دوست و دشمن بر ایشان در نماز و غیر نماز صلوات می‌فرستند و به شفاعت ایشان در درگاه خدا حاجت می‌طلبند، و رؤس منابر و مناره‌ها را و وجوه دنائیر و دراهم را به نام نامی ایشان مزین می‌گردانند، و پادشاهان روی زمین و سلاطین باتمکین به طوع و رغبت از روی

اخلاص روی بر خاک آستان ایشان می‌مالند، و هر روز چندین هزار کس به برکت زیارت ایشان مغفور می‌گردند، چندین هزار کس به برکت لعنت بر دشمنان ایشان مستحق بهشت می‌گردند، و چندین هزار کس از برکت گریستن بر ایشان و محزون گردیدن از مصائب ایشان صحیفه سیئات خود را از لوث گناه می‌شویند، و چندین هزار کس به برکت اخبار و نشر آثار ایشان به سعادات ابدی فایز می‌گردند، و چندین هزار کس به برکت احادیث ایشان به درجه معرفت و یقین می‌رسند، و چندین هزار کس به متابعت آثار ایشان و اقتدای به سنت ایشان به مکارم اخلاق و محاسن آداب محلی می‌گردند، و چندین هزار کور ظاهر و باطن در روضات مقدسات ایشان شفا می‌یابند و آلف و الوف از مبتلای به بلاهای جسمانی و روحانی از دارالشفای بیوت رفیع و علوم منیع ایشان صحت می‌یابند.



## سخن آخر

زندگانی پنجاه و هفت ساله حسین علیه السلام قدم به قدم اعجاز انگیز بوده از مولود و میلاد، از شیرخوارگی و کودکی از شباب و جوانی از شجاعت و شهامت از جود و بخشش از وفا و صداقت از حفظ ناموس و احترام قانون از حمایت مظلوم و خصم ظالم از عبادت و فضیلت از مسافرت و معاشرت و حتی شهادتش همه حیرت آور است راستی این چه رازی است که پاکان تاریخ عموماً مظلومان تاریخ هستند؟ گویا این یک سنت تاریخی است که مظلومان تلخی ستم را بر خود هموار کنند، و آوارگی را بپذیرند، تا بتوانند مظلومان را نصرت و آوارگان بشری را به سامان برسانند.

## نتیجه گیری

حسین بن علی از جهات فضیلت و کمال اخلاقی بر همه کس برتری داشته است حسین علیه السلام از جهت امامت و ولایت با پدر و برادرش در یک سطح قرار داشته‌اند و سایر ائمه هدی هم در همان صف بوده‌اند، ولی هر یک از آنها در بروز خصال و مکارم شخصی یک اهمیت و مزیت خاصی داشته‌اند و از میان همه آنها حسین ویژگی خاصی دارد، زیرا او مکتب تربیتی خاصی گشود و در مکتب عملی خود درس فضیلت و اخلاق داد و روش اخلاقی او و پرورش تربیتی او چنان بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و خلفا و اصحاب همه در اکرام و احترام او تأکید و مبالغه داشتند و حتی معاویه که رقیب سرسخت او و پدرش برادرش بود در حضور و غیاب به حسین نهایت احترام را می‌کرد و اعتراف به مقام و فضیلت او می‌نمود. امام حسین سرباز با شخصیت و فداکار اسلام بود که درس آزادی و فداکاری و مجدد و عظمت به مسلمین آموخت و در صورت و سیرت بی نظیر و ممتاز بود، و باید همه زندگانی امام حسین را همچون مشعل فروزان الگو و پیشرو همه جانبه راه زندگانی خود قرار دهند. ای که مایوس از همه سویی به سوی عشق رو کن قبله دل هاست این دل هرچه خواهی آرزو کن در آتش خشم ایزدی سوخته کیست هر کس که نمود قصد آزار حسین

## چکیده

إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحٌ هُدًى وَ سَفِينَةٌ نَجَاةٌ تَارِيخِ گزشته تومار بازی است در برابر تومار بسته آینده به وسیله این تومار باز، باید بخش بسته را گشود و خطوط حرکت آینده را ترسیم کرد، و از زندگانی گذشتگان درس‌هایی فراوان آموخت این مقاله براساس سرگذشت و زندگانی مقدس سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام تنظیم گردیده و هدف از نوشتن این مقاله یادآوری و الگو قرار دادن زندگانی مبارک ایشان همانند مشعل فروزان در مسیر زندگی همه می‌باشد. امام حسین علیه السلام از جهات فضیلت و کمال اخلاقی بر همه کس برتری و رجحان داشته است عشق و اراده صبر و فداکاری حسن خلق تواضع ادب بخشش صله رحم راستی درستی عبادت فراست و ذکاوت شجاعت و شهامت آزادی و سعادت فداکاری و گذشت امیدواری و آرزو، شرافت و عشق مرام و مسلک سیاست ملی و مظلومیت اجتماعی بر همه کس صراحت دارد که اگر حسین علیه السلام نبود این کلمات معنا نمی‌شد. حسین علیه السلام از جهت امامت و ولایت با پدر و برادرش در یک سطح قرار داشته‌اند و سایر ائمه هدی هم در همان صف بوده‌اند ولی هر یک از آنها در بروز خصال و مکارم شخصی یک اهمیت و مزیت خاصی داشته‌اند و از میان همه آنها حسین علیه السلام ویژگی خاصی دارد، زیرا او مکتب تربیتی خاصی گشود و در مکتب عملی خود درس فضیلت و اخلاق داد و روش اخلاقی او و پرورش تربیتی او چنان بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و خلفا و اصحاب همه در اکرام و احترام او تأکید و مبالغه داشتند و حتی معاویه که رقیب سرسخت او، پدرش و برادرش بود حضوراً و غیاباً نسبت به

حسین نهایت احترام می‌کرد و اعتراف به مقام و فضیلت او می‌نمود. ای که  
مأیوس از همه سوئی به سوی عشق رو کن قبله دلهاست این دل هر چه خواهی

آرزو کن

ای که مأیوس از همه سوئی به سوی عشق رو کن      قبله دلهاست این دل هر چه خواهی آرزو کن

## فهرست مطالب

2.....	مقدمه
3.....	ميلاد سيدالشهداء
5.....	دوران كودكي سيدالشهداء
6.....	حسين و نسب
7.....	حسين و صورت و سيرت
8.....	حسين بر دوش پيغمبر
9.....	حسين و فدائي شدن ابراهيم
10.....	حسين و لباس‌هاي مختلف
11.....	چند روايت در مورد حسنين
13.....	خصال و مكارم اخلاق سيدالشهداء از زبان رسالت
14.....	نماز گزاردن حسين بر پدر و برادر و خواهرش
15.....	حسين و حج خانه خدا
16.....	حسين و كمك به مستمندان و صفات ممتاز ايشان
17.....	حسين و شرافت
18.....	حسين و صبر و شكيبائي
19.....	حسين و علم و دانش
20.....	مراحل زندگي حسين بن علي
22.....	مبارزات حسين بن علي در دوران قبل از امامت
23.....	در جبهه‌هاي نبرد با ناكثين و قاسطين
24.....	اوضاع سياسي و اجتماعي دوران امامت حسين
25.....	حسين و وفاداري در پيمان معاويه

26	.....	مخالفت حسین با معاویه در بیعت یزید
28	.....	پیام آوران قیام کربلا
29	.....	آثار سیاسی رخداد کربلا در شیعه
30	.....	حکمت شهادت امام حسین
33	.....	سخن آخر
34	.....	نتیجه گیری
35	.....	چکیده
37	.....	فهرست مطالب